



در روزهای آینده دیگر بازیگران این اثر پربازیگر معرفی خواهند شد. تعدادی از عوامل این فیلم که تاکنون حضورشان در این پروژه قطعی شده عبارتند از کارگردان: علی عطشانی، تهیه‌کننده: سید محمد احمدی، علی عطشانی، نویسنده: پیمان عباسی. / جام جم

پژمان جمشیدی بازیگر «کوسه» شد

پژمان جمشیدی به عنوان یکی از بازیگران فیلم سینمایی کوسه به کارگردانی علی عطشانی و تهیه‌کنندگی سید محمد احمدی معرفی شد. فیلم سینمایی کوسه بر اساس فیلمنامه‌ای از پیمان عباسی، جدیدترین اثر علی عطشانی است که پروانه ساخت آن بهمن ماه سال گذشته صادر و پیش تولید آن از ۱۵ بهمن

کل اقتصاد تجسمی

اندازه خرید يك آپارتمان

نیست!



مجید ملانوروزی

مدیر کل اسبق مرکز هنرهای تجسمی وزارت ارشاد

هنرهای تجسمی هیچ کمکی از دولت دریافت نمی‌کند. نه مانند موسیقی سالن می‌گیرد و نه مانند سینما بودجه‌ای برای ساخت فیلم. کتاب‌ها نیاز به بررسی و ممیزی دارند و خلاصه هر هنری نوعی از وابستگی را به دولت دارد. در عرصه هنرهای تجسمی بحث متفاوت است. گالری‌ها فعاليتشان خصوصی است، هنرمندان هم همین‌طور. پس طبیعی است که آمار دقیقی هم ارائه نکنند و مشغول کار خودشان باشند. حالا گذشته از اینها نگاهی بیندازیم به گردش مالی يك سال هنرهای تجسمی. اگر تمام فروش‌ها و سودهای يك‌سال هنرمندان و گالری‌داران را جمع کنیم نهایتش می‌شود ۴۰ میلیارد تومان، در حالی که يك آپارتمان متوسط در برخی نقاط تهران ۸۰ تا ۸۰۰ میلیون تومان قیمت دارد.

این همه در حالی است که دولت و وزارت ارشاد هم حمایتی از هنرهای تجسمی ندارند، نه حراج خاصی برگزار می‌کنند، نه برگزاری بی‌پنال و اکسپو چندان برایشان مهم است. هنرمندان تجسمی برای خودشان بی‌سروصدا کار و زندگی می‌کنند و گالری دارها هم همین‌طور. ضمن این‌که گالری‌دارها هم اغلب مجموعه‌دار هستند و علاقه‌مند به آثار هنری تجسمی؛ وگرنه می‌دانند سرمایه‌ای که برای کارشان گذاشته‌اند، بازگشت چندانی ندارد. هر چند در این میان حرف و حدیث و رقم‌های نجومی درباره آثار تجسمی مطرح می‌شود، اما این ارقام و رویدادهای مربوط به حراج هم بیشتر برای تثبیت قیمت يك هنرمند و مسائلی از این دست برگزار می‌شوند و حباب هستند. گاهی فلان کار سهراب سپهری که قیمتش در حراج بالا می‌رود را خود صاحب اثر می‌خرد و اتفاقاتی از این دست بسیار است.

خلاصه کل ماجرا این است؛ ما بیش از ۱۰۰ گالری فعال داریم که هر دو هفته يك بار تقریبا نمایشگاه دارند، گاهی فروش خوبی دارند و گاهی هم نه. گاهی هنرمند قیمت کارش را بیست میلیون تومان اعلام می‌کند، اما به‌طور پنهانی با تخفیف همان راده میلیون تومان می‌فروشد و همه این موارد یعنی نمی‌توان اقتصاد تجسمی را با فرمول اقتصاد دیگر هنرها بررسی کرد و دنبال گرفتن آمار دقیق از گالری‌داران و هنرمندانی بود که حمایت دولتی هم ندارند!

خصوصی‌سازی یا رهاسازی، مسئله این است



امیرحسین شفیعی

کارگردان تئاتر و مدیر تماشاخانه سرو

تئاتر کشورمان از مشکلات متعددی رنج می‌برد که به مرور زمان از این مشکلات کاسته نشده هیچ، به آنها اضافه هم شده‌است.

اول: ظرفیت صندلی‌های تئاتر بیشتر از مخاطبان تئاتر است. تماشاخانه‌ها اضافه شده‌اند اما مخاطب برای دیدن تئاترهایمان تربیت نکرده‌ایم. از طرفی این را هم بپذیریم که خروجی رشته‌های تئاتر از دانشگاه‌های زیاد است و نیز تعداد هنرمندانی که شرایط کار کردن برایشان مهیا نیست. دوم: شرایط اقتصادی خانواده‌های ایرانی اجازه دیدن نمایش را نمی‌دهد. من به عنوان يك فعال تئاتر به جرات می‌گویم تئاتر در ایران به نسبت کشورهای توسعه‌یافته یا حتی در مقایسه با تفریحات دیگری که در کشور خودمان وجود دارد، ارزان است اما با همین قیمت‌ها يك سرپرست خانوار، به دلیل درآمد محدود، نمی‌تواند از رسانه‌ای مانند تئاتر بهره بگیرد. سوم: کیفیت آثار جای بررسی دارد؛ وقتی مجموعه‌های فرهنگی ایجاد می‌شوند، تولیدات فرهنگی در دسترس قرار می‌گیرند ولی با چه کیفیتی؟ آیا آثاری که در تماشاخانه‌های شهر عرضه می‌شوند، کیفیت لازم را برای جذب مخاطب دارند یا اسباب دلزدگی را فراهم می‌کنند و قهر یا تئاتر را؟ چهارم: خصوصی‌سازی بهانه‌ای شده که دولت مدیریت تئاتر را رها کند و صرفا به نظارت بپردازد. در تمام کشورهای صاحب تئاتر، دولت به تولید و رشد تئاتر کمک می‌کند؛ اما دولت ما به بهانه خصوصی‌سازی مدیریت را در حد نظارت تنزل داده و کمک‌های دولتی به گروه‌ها یا به موقع پرداخت نمی‌شود یا اصلا پرداخت نمی‌شود. در چنین شرایطی به طور طبیعی تئاتری‌ها مجبور می‌شوند به سمت تئاتر تجاری، تئاتر گیشه و تئاتر کم‌محتوا بروند که حاصلش توقف تولید اندیشه در تئاتر، ریزش مخاطب و پایین آمدن سلیقه تماشاگران است. پنجم: تعداد سالن‌ها و تماشاخانه‌های شهر تهران کم نیست اما گستردگی ندارد. در جنوب تهران یا غرب یا شرق تهران تئاتر نداریم و نیز کمتر شاهد تنوع گونه‌های مختلف نمایشی هستیم.

همه‌گیرشدن کنسرت‌های موسیقی در جهان

زنده موسیقی بودیم. برنامه‌ریزی‌ها رفت به این سمت که در هر استانی چند شهر بتوانند میزبان برگزاری کنسرت باشند و به نظرم همین اقدامات برای اصلاح ساختارها توانست به موسیقی کمک‌کند تا روی پای خودش بایستد و برای فعالیت مستقل از دولت تلاش کند. رشد مالی‌ای هم که موسیقی طی این سال‌ها تجربه کرده جالب است، در سال اول اصلاح ساختارها حدود ۱۰ برابر رشد اقتصادی موسیقی را شاهد بودیم و حالا هم رشدی حدود ۱۵ تا ۲۰ برابر که می‌تواند هم اهالی موسیقی را منتفع کرده و هم گردش مالی این هنر را بالا ببرد. نکته مهم دیگر این که تا آن دوره موسیقی‌هایی که اجرای صحنه‌ای داشتند در سبک های پاپ، کلاسیک و سنتی بودند. حالا اما بیش از ۱۵ سبک مختلف موسیقی در حال فعالیت هستند و همین هم مخاطب موسیقی را بیشتر می‌کند و هم چرخه مالی‌اش را.



استقبال و اقبال عمومی نسبت به کنسرت‌های موسیقی در چارت جهانی هم رشد بسیاری داشته و به نظر می‌رسد هر چه زندگی مدرن‌تر می‌شود مردم

گرایش بیشتری به تفریحات دنیای مدرن پیدا می‌کنند. هر قدر فروش آلبوم‌های فیزیکی کمتر شده در عوض فروش آنلاین موسیقی و همچنین حضور در کنسرت‌ها رشد چشمگیری داشته است. روزی روزگاری در تالار وحدت تهران در سال تنها ۱۰ کنسرت موسیقی برگزار می‌شده است، اگر اشتباه نکنم سال ۶۶ با چنین آماری مواجه بودیم و حالا با گذر سه دهه با آمار بسیار قابل توجهی روبه‌رویییم که نشان می‌دهد موسیقی ما می‌تواند امروز به عنوان یک هنر- صنعت روی پای خودش بایستد و دیگر نیاز به صدقه دولت نداشته باشد.

اما این که چرا در ایران تعداد اجراهای صحنه طی چند سال رشد تصاعدی و چند برابری را تجربه کرده، موضوعی است که باید برای پرداختن به آن رفت سراغ زیرساخت‌های اجرایی موسیقی. زمانی که بنده مسوولیت اداره دفتر موسیقی وزارت ارشاد را پذیرفتم روند برگزاری کنسرت در استان‌ها بسیار دشوار بود و تنها در برخی مراکز استانی شاهد اجرای



پیروز ارجمند

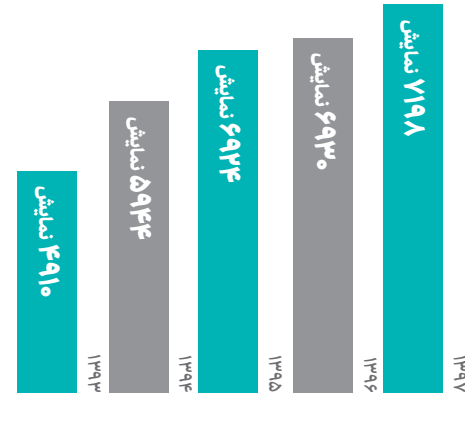
آهنگساز و منتقد موسیقی

تئاتر و خصوصی‌سازی

میزان فروش، یکی از مهم‌ترین گزینه‌های آماری است اما این مورد در سالنامه آماری وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی برای تئاتر مغفول مانده و گزارشی از میزان فروش نمایش‌ها ارائه نشده است.

همچنین سالن‌های نمایش در تهران افزایش داشته و طی یکی دو سال اخیر تئاتر خصوصی نقش تعیین‌کننده‌ای در اقتصاد تئاتر داشته اما به این موارد هم توجه نشده و اطلاعاتی درباره تعداد سالن‌های فعال ارائه نشده است. مهم‌ترین اطلاعات مربوط به تئاتر در این سالنامه، تعداد آثار تولید شده و تعداد دفعات اجرا و تعداد تماشاگران است که از رشد نسبی تئاتر در کشور خبر می‌دهد.

تعداد نمایش‌های اجراشده

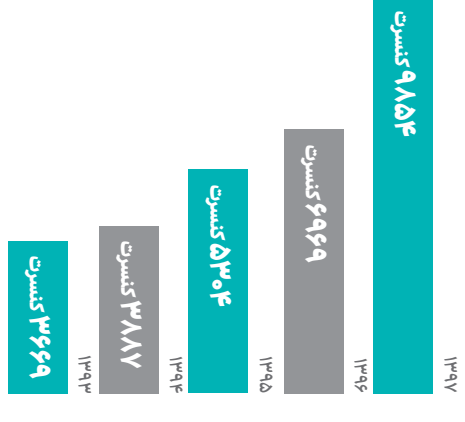


آواز خوانی روی صحنه

طی پنج سال کنسرت‌های موسیقی در کشورمان رشد قابل توجه داشته اما تعداد آثار صوتی که از وزارت ارشاد مجوز گرفته و منتشر شده‌اند تقریبا يك رقم ثابت را شامل می‌شوند. در سال ۱۳۹۳ برای ۴۲۵ اثر صوتی مجوز صادر شده که نمی‌دانیم همه آنها آلبوم موسیقی بوده‌اند یا موارد دیگری را هم دربر می‌گیرند.

این ابهام در آمار سال‌های بعد نیز وجود دارد و توضیحی ارائه نشده جز این که در سال ۱۳۹۴ تعداد آثار صوتی موفق به دریافت مجوز ۵۷۴ اثر بوده و در سال ۱۳۹۵ برای ۴۸۵ اثر صوتی مجوز صادر شده، ۵۴۵ اثر در سال ۱۳۹۶ مجوز گرفته و در سال ۱۳۹۷ هم برای ۵۴۸ اثر مجوز صادر شده است.

تعداد کنسرت‌های موسیقی



انید بررسی آمارهای مربوط به حوزه‌های کتاب، رهای تجسمی و سینمای ایران است در پنج سالی که

سالنامه وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی موارد متعددی ین وزارتخانه گرفته تا تعداد نمایشگاه‌های هنری و ی‌ای این وزارتخانه.

ته را درباره سالنامه آماری وزارت فرهنگ و م. مثلا این‌که برخی موارد از قلم افتاده یا به آنها ت. اطلاعات مربوط به حوزه کتاب از همه جامع‌تر روزه هنرهای تجسمی بسیار مختصر و محدود. سال‌ها بررسی‌های آماری توسعه چندانی

نداشته و موارد جدیدی به آنها اضافه نشده جز این‌که از سال ۱۳۹۵ در برخی حوزه‌ها اطلاعات مربوط به شهرستان‌ها هم به تفکیک قید شده است.

آمارها و اطلاعات مدون این حسن را دارند که به صورت جامع و در عین حال خلاصه تصویری از عملکرد فرهنگی هنری در حوزه‌های مختلف را پیش روی قرار می‌دهند و احتمالا در برنامه‌ریزی‌ها و تعیین استراتژی هنری یا ساماندهی به تولید نقش تعیین‌کننده خواهند داشت. ضمن ارائه این آمار و بررسی مختصر آنها، یادداشت‌هایی از هنرمندان، مسؤولان و فعالان حوزه‌های مختلف را به این گزارش آساری ضمیمه کرده‌ایم که تصویری جامع‌تر از کاستی‌ها ترسیم شود یا آینده شاخه‌های مختلف هنر ملموس‌تر به نظر برسد.